

بررسی تأثیر ریسک سیستماتیک و مالکیت مدیریتی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هموارسازی سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

محمد حسن خلیلیان^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۰۱ تاریخ چاپ: ۱۴۰۴/۰۴/۲۸

چکیده

هدف اصلی تحقیق بررسی تأثیر ریسک سیستماتیک و مالکیت مدیریتی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هموارسازی سود شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ می باشد که در این راستا هموارسازی سود به عنوان متغیر وابسته و عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان متغیر مستقل می باشند. ریسک سیستماتیک و مالکیت مدیریتی به عنوان متغیر تعدیل گر در نظر گرفته شده است. اندازه شرکت، اهرم مالی، نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره و نسبت جریانهای نقدی عملیاتی نیز به عنوان متغیرهای کنترل می باشند. نمونه آماری تحقیق ۱۱۲ شرکت می باشد. روش پژوهش از نوع توصیفی-همبستگی با رویکرد کاربردی می باشد. روش گردآوری اطلاعات در بخش مبانی نظری از روش کتابخانه ای و در بخش آزمون فرضیات از روش اسنادکاوی صورتهای مالی می باشد. به طور کلی روش آزمون فرضیات از روش همبستگی و رگرسیون چندگانه است. نتایج تحقیق نشان داد بین عدم تقارن اطلاعاتی و هموارسازی سود ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد و ریسک سیستماتیک نیز موجب تقویت این رابطه می شود. مالکیت مدیریتی نیز موجب کاهش ارتباط بین عدم تقارن اطلاعاتی و هموارسازی سود می گردد. نتایج مربوط به متغیرهای کنترلی نشان داد که بین اهرم مالی و هموارسازی سود ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد و بین اندازه شرکت و نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره با هموارسازی سود ارتباط معکوس و معناداری وجود دارد. بین نسبت جریانهای نقدی عملیاتی و هموارسازی سود رابطه معناداری یافت نشد.

واژگان کلیدی

ریسک سیستماتیک، عدم تقارن اطلاعاتی، هموارسازی سود، اهرم مالی، اندازه شرکت

۱. کارشناسی ارشد حسابداری، گرایش حسابرسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، تهران، ایران. mhassankh77@gmail.com

۱. مقدمه

یکی از عواملی که می‌تواند باعث متفاوت بودن واکنش بازار به مدیریت سود شود، ریسک سیستماتیک و عدم اطمینان محیطی است. ریسک سیستماتیک به عنوان نرخ تغییرپذیری در محیط خارجی سازمان‌ها، که شامل مشتریان عمده، رقبا، قوانین دولتی، و اتحادیه‌های کارگری هستند تعریف شده است (حبیب و همکاران^۱، ۲۰۱۱). ریسک سیستماتیک بالا، ریسک تخمین دقیق سودهای آتی توسط سهامداران را افزایش می‌دهد و آن را به یک موضوع بغرنج برای آن‌ها تبدیل می‌کند. در صورتی که مدیریت اقدام مقتضی را جهت کاهش این نوسان‌پذیری انجام ندهد، عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیریت و سهامداران حادث می‌شود. ریسک سیستماتیک؛ محدودیت‌های جدی برای شرکت ایجاد می‌کند و بر استراتژی و تصمیمات مدیران در شرکت موثر است. در چنین شرایطی مدیران فرصت‌های استراتژیکی برای مقابله با این شرایط خواهند داشت. یکی از این فرصت‌ها، مدیریت سود است (کارمیر، هول و لیداکس^۲، ۲۰۱۳).

برخی تحقیق‌ها نشان دادند که در یک محیط با ریسک بالا، تشخیص مدیریت سود توسط سهامداران را با دشواری مواجه می‌کند (لیم، دینگ و تانگ^۳، ۲۰۰۸). زیرا، گزارشگری مالی و سنجش عملکرد در شرکت‌هایی که عملیات تجاری متغیر و پر نوسانی دارند، پیچیده تر است. لذا، انتظار می‌رود سودهایی که در این پیچیدگی محیطی مدیریت می‌شوند توسط بازار سرمایه شناسایی نشود.

اصول پذیرفته شده‌ی حسابداری اجازه می‌دهد بسیاری از معاملات با یک یا چند روش مختلف ثبت شود. به عنوان مثال، از بین روش‌های ارزیابی موجودی‌ها، روش‌های محاسبه‌ی استهلاک دارایی‌های ثابت و یا روش‌های شناسایی سود برای قراردادهای بلندمدت می‌توان یکی از آن‌ها را انتخاب کرد و بعدها دوباره آن را تغییر داد. فعالیت‌هایی نظیر زمان‌بندی ثبت فروش، کاهش ارزش موجودی‌ها و تجهیزات، تعمیر و پیاده‌سازی تجهیزات و مواردی از این دست، به اختیار مدیریت انجام می‌شود (حبیب^۴، ۲۰۰۴). مدیران برای نشان دادن تصویری مطلوب از شرکت و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری انگیزه‌ای قوی دارند تا سود را مدیریت کنند (باندیا^۵، ۲۰۱۲).

هموارسازی سود^۶ به رفتار آگاهانه‌ای اطلاق می‌شود که از جانب مدیریت شرکت و به طور عمده برای کاهش نوسان‌های دوره‌ای سود انجام می‌شود. به طور عام، پژوهشگران بر این باورند که سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که دارای یک روند سودآوری یکنواخت و ثابت باشند و شرکت‌هایی که سود پر نوسانی گزارش می‌کنند، ریسک بیشتری نسبت به شرکت‌های دیگر دارند. تحلیلگران مالی، سود را به عنوان یک عامل اساسی

¹ - Habib et al

² - Cormier, Houle and Ledoux

³ - Lim, Ding and Thong

⁴ - Habib

⁵ - Bhundia

⁶ - Earnings Smoothing

در بررسی‌ها و قضاوت‌های خود مد نظر قرار می‌دهند. به همین دلیل، مدیران برای نشان دادن تصویری مطلوب از شرکت و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری انگیزه‌ای قوی دارند تا سود را مدیریت کنند (یوجا و بروسا^۱، ۲۰۱۱).

بهره‌گیری از اطلاعات مالی شرکت‌ها و تصمیم‌گیری صحیح در بازار اوراق بهادار زمانی امکان‌پذیر است که اطلاعات یاد شده به موقع، مربوط و کامل و قابل فهم باشد. از سوی دیگر، نوع و چگونگی دستیابی به اطلاعات نیز حائز اهمیت است. در صورتی که انتقال اطلاعات به صورت نابرابر و نامتقارن، بین افراد صورت گیرد می‌تواند نتایج متفاوتی را نسبت به یک موضوع واحد سبب شود. عدم تقارن اطلاعاتی^۲ پیامدهای نامطلوب مختلفی را از قبیل کاهش کارایی بازار، افزایش هزینه‌های معاملاتی، ضعف بازار، افزایش هزینه حقوق صاحبان سهام، نقد شوندگی پایین و به طور کلی، کاهش سود حاصل از معاملات در بازارهای سرمایه در پی دارد (گلوستن و میلگرام^۳، ۱۹۹۱).

هموارسازی سود؛ عدم اطمینان از جریان‌های نقدی آتی شرکت را برای سهامداران بیشتر می‌کند که این موضوع منجر به عدم تقارن اطلاعات بین سهامداران و مدیران می‌شود (باتاچاریا و همکاران^۴، ۲۰۱۲). هموارسازی سود در مواقعی که عدم تقارن اطلاعاتی بالاتر است، بیشتر اتفاق می‌افتد (ترومن و تیتمن^۵، ۱۹۸۸).

سود حسابداری که بر مبنای تعهدی اندازه‌گیری می‌شود به دو قسم نقدی و تعهدی تقسیم می‌شود. برخی از اقلام تعهدی سود با اختیار مدیریت قابل تغییر و دستکاری می‌باشند. ژئی^۶ (۲۰۰۱) نشان داد که بازار سرمایه درک درستی از اقلام تعهدی اختیاری که ناشی از اختیارات مدیریت است؛ ندارد. بنابراین، یک عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران آگاه (که قادر به ارزش‌گذاری مناسب اقلام تعهدی هستند) و سرمایه‌گذاران ناآگاه به وجود می‌آید. لذا، می‌توان انتظار داشت هرچه هموارسازی سود بیشتری اعمال شود و اقلام تعهدی بیشتری در ترکیب سود باشد، عدم تقارن اطلاعاتی بین سرمایه‌گذاران آگاه و ناآگاه نیز بیشتر می‌شود.

بنابراین، با توجه به مطالب بیان شده سوال اساسی تحقیق این است که آیا با افزایش عدم تقارن اطلاعاتی بین ذینفعان در شرکت، میزان هموارسازی سود نیز افزایش می‌یابد؟ و آیا ریسک سیستماتیک و مالکیت مدیریتی، بر ارتباط بین هموارسازی سود و عدم تقارن اطلاعاتی موثر می‌باشد؟

۲. اهمیت و ضرورت تحقیق

اهمیت تحقیق در این است که به صورت تجربی به تحلیل‌گران مالی، سرمایه‌گذاران و سایر استفاده‌کنندگان اطلاعات حسابداری نشان داده شود که هموارسازی سود در حسابداری می‌تواند بر عدم تقارن اطلاعاتی اثرگذار باشد و همچنین شاخص ریسک سیستماتیک و مالکیت مدیریتی می‌توانند در این رابطه، نقش داشته باشند.

¹ - Ujah and Brusa

² - Information Asymmetry

³ - Glosten and Milgram

⁴ - Batacharia et al

⁵ - Trueman and Titman

⁶ - xie

سودهای گزارش شده‌ی شرکت‌های سهامی، همواره به عنوان یکی از معیارهای تصمیم‌گیری مالی، دارای اعتبار ویژه‌ای است و تحلیلگران مالی، سود را به عنوان یک عامل اساسی در بررسی‌ها و قضاوت‌های خود مد نظر قرار می‌دهند. همچنین، به طور عام پژوهشگران بر این باورند که سرمایه‌گذاران ترجیح می‌دهند در شرکت‌هایی سرمایه‌گذاری کنند که دارای یک روند سودآوری یکنواخت و ثابت باشند و شرکت‌هایی که سود پرنوسانی گزارش می‌کنند، ریسک بیشتری نسبت به شرکت‌های دیگر دارند. تحلیلگران مالی، سود را به عنوان یک عامل اساسی در بررسی‌ها و قضاوت‌های خود مد نظر قرار می‌دهند. به همین دلیل، مدیران برای نشان دادن تصویری مطلوب از شرکت و کاهش ریسک سرمایه‌گذاری انگیزه‌ای قوی دارند تا سود را مدیریت کنند. این موضوع در زمان عدم تقارن اطلاعات بین سهامداران بیشتر می‌شود. بنابراین، شناسایی عوامل مرتبط با هموارسازی سود حائز اهمیت است.

۳. پیشینه‌ی تحقیق

کرمیر و لیداکس^۱ (۲۰۲۲) در تحقیق خود به بررسی اثر تعدیل‌کنندگی افشای اختیاری بر رابطه بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکت‌های کانادایی پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد که کیفیت سود و افشا اختیاری هر دو عدم تقارن اطلاعاتی را کاهش می‌دهند؛ و افشای اختیاری اثر تعدیل‌کنندگی بر رابطه بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی دارد.

کارمیر، هول و لیداکس^۲ (۲۰۲۱) در تحقیق خود بین ۵۶۹ شرکت کانادایی و آمریکایی طی دوره ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۷ به این نتیجه رسیدند که پیچیدگی و عدم اطمینان محیطی منجر به تضعیف ارتباط بین مدیریت سود (اقدام تعهدی اختیاری) و عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود.

جین جین و همکاران^۳ (۲۰۲۰) در تحقیقی به بررسی تأثیر عدم اطمینان محیطی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود در بورس بخارست طی دوره زمانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۵ پرداخته است که در این راستا مدیریت سود به عنوان متغیر وابسته و عدم اطمینان محیطی و عدم تقارن اطلاعاتی به عنوان متغیرهای مستقل می‌باشند. نتایج تحقیق نشان داد بین عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد و عدم اطمینان محیطی نیز موجب تقویت این رابطه می‌شود. نتایج مربوط به متغیرهای کنترلی نشان داد که بین اهرم مالی و مدیریت سود ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد و بین اندازه شرکت و نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره با مدیریت سود ارتباط معکوس و معناداری وجود دارد. بین نسبت جریان نقدی عملیاتی و مدیریت سود رابطه معناداری یافت نشد.

داداش زاده و ذاکری (۱۳۹۸) در تحقیقی به بررسی تأثیر ساختار هیات مدیره و عدم تقارن اطلاعاتی بر هموارسازی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته‌اند. در این پژوهش به منظور اندازه‌گیری ساختار هیات مدیره، عدم تقارن اطلاعاتی و هموارسازی سود به ترتیب از معیارهای فولادی و همکاران (۲۰۱۲)، ونکاتش و همکاران

^۱ - Cormier and Ledoux

^۲ - Cormier, Houle and Ledoux

^۳ . Jeanjean

(۱۹۸۶) و ایکل (۱۹۸۱) استفاده شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر، شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۰، و با استفاده از روش حذف سیستماتیک، ۱۰۴ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده است. روش گردآوری مباحث نظری این پژوهش، کتابخانه ای بوده و داده های آن از طریق سایت سازمان بورس اوراق بهادار و گزارشهای مالی شرکتهای بدست آمده است. برای بررسی فرضیه های پژوهش از آزمون t مستقل استفاده شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه های پژوهش نشان می دهد که اندازه و استقلال هیات مدیره (معیار اندازه گیری ساختار هیات مدیره) شرکتهای هموارسازی سود کمتر از شرکتهای غیرهموارسازی سود می باشد و عدم تقارن اطلاعاتی شرکتهای هموارسازی سود بیشتر از شرکتهای غیرهموارسازی سود است.

باباجانی و همکاران (۱۳۹۳) در تحقیقی به بررسی تأثیر مدیریت سود بر عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سرمایه گذاران در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته اند. سطح عدم تقارن اطلاعاتی شرکتها با استفاده از پنج سنجح حجم معاملات، نوسان قیمت سهام، نسبت قیمت به سود، تعداد روزهای معاملاتی و عمر شرکت و میزان مدیریت سود شرکتها با استفاده از مدل جونز تعدیل شده اندازه گیری شد. با استفاده از اطلاعات ۱۱۹ شرکت طی فاصله زمانی سالهای ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۸، نتایج این تحقیق نشان می دهد شاخص عدم تقارن اطلاعاتی که ترکیبی از پنج سنجح انتخابی است، بر میزان مدیریت سود تأثیری مثبت و معنادار دارد.

۴. فرضیه ها و مدل تحقیق

۱. بین عدم تقارن اطلاعاتی و هموارسازی سود شرکتهای ارتباط معناداری وجود دارد.
 ۲. ریسک سیستماتیک بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هموارسازی سود شرکتهای تأثیر معناداری دارد.
 ۳. مالکیت مدیریتی بر رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هموارسازی سود شرکتهای تأثیر معناداری دارد.
- مدل رگرسیونی آزمون فرضیات بصورت زیر می باشد:

$$1) ES_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 ASSY_{i,t} + \beta_2 FL_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 OUTD_{i,t} + \beta_5 OCF_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

$$2) ES_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 ASSY_{i,t} + \beta_2 RISK_{i,t} + \beta_3 ASSY_{i,t} * RISK_{i,t} + \beta_4 FL_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 OUTD_{i,t} + \beta_7 OCF_{i,t} + \varepsilon$$

$$3) ES_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 ASSY_{i,t} + \beta_2 MANAGER - OWN_{i,t} + \beta_3 ASSY_{i,t} * MANAGER - OWN_{i,t} + \beta_4 FL_{i,t} + \beta_5 SIZE_{i,t} + \beta_6 OUTD_{i,t} + \beta_7 OCF_{i,t} + \varepsilon$$

که در آن: ES = هموارسازی سود، ASSY = عدم تقارن اطلاعاتی، OUTD = اعضای غیرموظف هیئت مدیره، RISK =

ریسک سیستماتیک، MANAGER-OWN = مالکیت مدیریتی، FL = اهرم مالی، SIZE = اندازه شرکت، OCF =

نسبت جریانات نقدی عملیاتی

الف) متغیر وابسته: هموارسازی سود

مدل های آماری برای تفکیک و شناسایی شرکت های هموارساز سود که از معیار پراکندگی زیر استفاده شده است

(جین جین و همکاران، ۲۰۱۸):

مدل میانگین مطلق درصد انحرافات تغییرات سود از میانگین مجموع تغییرات برای شناسایی و تفکیک شرکت‌های هموارساز سود.

این مدل برای تفکیک شرکت‌های هموارساز از غیر هموارساز مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مدل ابتدا میانگین مطلق مجموع تغییرات هر سال نسبت به سال قبل اندازه‌گیری می‌شود. متغیرهای اندازه‌گیری سود ناویژه و سود عملیاتی و سود ویژه هستند.

$$T = \frac{1}{n-1} \sum_{i=1}^{n-1} \frac{y_i - 1}{y_i}$$

$$S = \frac{1}{n-1} \sum_{i=1}^{n-1} \left(\frac{y_i - 1/y_i}{T} \right) - T$$

S=میزان فروش، N=عمر شرکت، Y=تغییرات سود نسبت به سال قبل، T=کل داراییها

برای تعیین مقدار عددی S که بیان کننده میزان پراکندگی فروش شرکتها و تعیین کننده شرکت‌های هموارساز است از روش میانه استفاده شده است. عدد بدست آمده از میانه برای تفکیک شرکت‌های هموارساز از غیر هموارساز است.

ب) متغیر مستقل: عدم تقارن اطلاعاتی

در پژوهش حاضر هزینه های نمایندگی تابعی از نسبت کیوتوین (نماینده فرصت های رشد) و جریان های نقد آزاد در نظر گرفته می شود و به شرح زیر محاسبه می گردد:

$$\text{Agency costs} = \text{FCF} * \text{Tobin's Q}$$

بالا تر بودن نتیجه معادله فوق بیانگر هزینه های نمایندگی بالا و پایین تر بودن آن بیانگر هزینه های نمایندگی پایین می باشد (جین جین و همکاران، ۲۰۱۸).

ج) متغیرهای تعدیل گر:

۱) ریسک سیستماتیک

برای اندازه گیری ریسک سیستماتیک از ضریب تغییرات فروش (CV فروش) استفاده می شود. زیرا هرچه نوسان فروش بیشتر باشد، محیط فعالیت شرکت با عدم اطمینان بیشتری همراه است (جین جین و همکاران، ۲۰۱۸):

$$EU_{i,t} = \frac{\sigma_{Sales}}{\mu_{Sales}} \dots \dots \dots i, t-4 \text{ to } t$$

در این معادله:

EU: ضریب تغییرات فروش و شاخص ریسک سیستماتیک؛

σ_{Sales} : بیانگر انحراف معیار فروش های شرکت طی یک دوره پنج ساله (از سال t-4 تا t) و

μ_{Sales} : بیانگر میانگین فروش های شرکت طی یک دوره پنج ساله (از سال t-4 تا t).

این معیار ریسک سیستماتیک ویژه واحد تجاری است که با استفاده از اطلاعات تاریخی در طول یک دوره پنج ساله (سال جاری و چهار سال قبل) محاسبه می‌شود. هر چه شاخص EU حاصل شده برای یک شرکت بیشتر باشد نتیجه می‌شود که ریسک سیستماتیک برای آن شرکت در سطح بالاتری بوده است.

(۲) مالکیت مدیریتی

در این پژوهش درصد مالکیت مدیریتی از تقسیم تعداد سهام مالکیت مدیران اجرایی و اعضای هیئت مدیره بر کل سهام شرکت به دست می‌آید (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۷).

(د) متغیرهای کنترلی

(۱) **اهرم مالی:** در این پژوهش، برای اندازه‌گیری اهرم مالی شرکت از تقسیم ارزش دفتری بدهیهای بلندمدت بر کل دارایی‌ها استفاده می‌شود (جین جین و همکاران، ۲۰۱۸).

$$FL = BV / TOTL \text{ ASSETS}$$

BV = ارزش دفتری بدهیهای بلند مدت

(۲) اندازه شرکت: اندازه بانک از طرق مختلفی مانند داراییها محاسبه می‌شود که در این پژوهش از طریق داراییها محاسبه شده است. یعنی لگاریتم نبری کل داراییها به عنوان معیار سنجش اندازه شرکت می‌باشد (نورانی، ۱۳۸۵).

$$\log(\text{کل داراییها}) = \text{اندازه شرکت}$$

(۳) نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره:

نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره؛ از تقسیم تعداد اعضای غیرموظف به تعداد کل اعضای هیئت مدیره بدست می‌آید.

(۴) جریانات نقدی عملیاتی:

برای محاسبه جریان نقدی عملیاتی از فرمول زیر استفاده می‌شود (جین جین و همکاران، ۲۰۱۸):

$$CFO = NI + NCC + \Delta WC$$

که در آن: NI سود خالص و NCC هزینه‌های غیرنقدی که می‌بایست به سود خالص اضافه شود؛ زیرا این نوع هزینه‌ها موجب کاهش سود خالص شده اما از بابت آن وجهی خارج نشده است مانند استهلاک، ΔWC = تغییرات سرمایه در گردش.

(۵) جامعه آماری

جامعه آماری تحقیق شامل کلیه شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که تعداد ۶۱۲ شرکت می‌باشند.

در تحقیق حاضر از روش نمونه‌برداری حذف سیستماتیک (غربالگری) استفاده گردیده است که از جامعه آماری مورد نظر، شرکت‌های نمونه با توجه به شرایط و محدودیت‌های زیر انتخاب گردیده است:

جدول ۱: تعیین حجم نمونه آماری

ردیف	شرایط	تعداد حذف از نمونه	باقیمانده
۱	برای انتخاب نمونه همگن، شرکت‌ها باید قبل از سال ۱۳۹۸ در بورس تهران پذیرفته شده باشند و از ابتدای سال ۱۳۹۸ سهام آنها در بورس مورد معامله قرار گرفته باشد.	۲۰۰	۴۱۲
۲	به منظور انتخاب شرکت‌های فعال، معاملات این شرکت‌ها در طول سالهای ۱۳۹۸ الی ۱۴۰۲ در بورس دچار وقفه نشده باشد که تعداد ۱۲۸ شرکت از نمونه آماری حذف شدند.	۱۲۸	۲۸۴
۳	به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، دوره مالی شرکت‌ها منتهی به اسفند باشد.	۵۸	۲۲۶
۴	بین سالهای ۱۳۹۸ الی ۱۴۰۲ تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداشته باشند.	۷۵	۱۵۱
۵	جزو بانکها، شرکتهای بیمه و لیزینگ و واسطه کرای نباشند.	۳۹	۱۱۲

با اعمال شرایط فوق، تعداد ۱۱۲ شرکت به عنوان نمونه مورد مطالعه در این تحقیق، انتخاب شدند.

۶. تجزیه و تحلیل داده ها

۶-۱- آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

نگاره ۲: آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	انحراف معیار	کمترین مقدار	بیشترین مقدار	چولگی	کشیدگی
هموارسازی سود	۵۶۰	۰/۲۵۴۹	۰/۱۶۷۲	۰/۰۱۰۹	۰/۵۱۵۹	۳/۱۲۳	۴/۸۹۰
ریسک سیستماتیک	۵۶۰	۰/۲۴۱۱	۰/۱۷۴۲	۰/۲۴۱۱	۱/۲۲۳	۱/۶۶۶	۰/۵۵۳۱
مالکیت مدیریتی	۵۶۰	۰/۳۰۰	۰/۱۵۴۷	۰	۱	۱/۷۹۸	۳/۸۹۳
عدم تقارن اطلاعاتی	۵۶۰	۰/۲۱۵۴	۰/۱۲۵۲	۰/۰۴۵۲	۰/۶۹۱۹	۲/۰۰۳	۳/۲۱۲
اندازه شرکت	۵۶۰	۱۲/۱۲۱۸	۰/۰۵۳۶	۹/۵۱۰۷	۱۷/۲۹۶۵	۱/۱۱۴	۴/۲۱۱
اعضای غیرموظف هیئت مدیره	۵۶۰	۰/۲۹۵۶	۰/۰۴۱۹	۰/۲۰۰	۰/۴۰۰	۲/۵۹۳	۷/۱۷۷
اهرم مالی	۵۶۰	۰/۵۹۲۴	۰/۱۳۰۴	۰/۳۳۱۶	۰/۶۴۸۲	۲/۳۳۷	۱۲/۱۷۲
نسبت جریانات نقدی عملیاتی	۵۶۰	۰/۳۰۰۹	۰/۱۸۶۹	۰/۰۸۶۸	۰/۶۶۱۴	۴/۳۷۶	۳/۲۱۹

با توجه به نگاره میانگین هموارسازی سود شرکت‌های نمونه برابر با ۰/۲۵۴۹ بوده و کم‌ترین و بیشترین مقدار آن به ترتیب برابر با ۰/۰۱۰۹ و ۰/۵۱۵۹ می‌باشد. بررسی میزان چولگی و کشیدگی این متغیر که بایستی به ترتیب ۰ و ۳ باشد تا متغیر دارای توزیع نرمال باشد، نشان می‌دهد که این متغیر دارای توزیع نرمال نیست. با توجه به نگاره آماره توصیفی متغیرهای تحقیق؛ بالاترین میانگین مربوط به متغیر اندازه شرکت و کمترین میانگین مربوط به متغیر عدم تقارن اطلاعاتی می‌باشد. بالاترین انحراف معیار مربوط به متغیر ریسک سیستماتیک و کمترین انحراف معیار مربوط به متغیر اعضای غیرموظف هیئت مدیره می‌باشد.

۲-۶- آزمون نرمال بودن توزیع متغیر وابسته تحقیق

نگاره ۳: نتایج آزمون نرمال بودن متغیر وابسته تحقیق

متغیر	تعداد (N)	آماره (K-S)	سطح اهمیت (Sig)
هموارسازی سود	۵۶۰	۴/۶۱۶	۰/۰۰۰

با توجه به این که برای متغیر هموارسازی سود، سطح اهمیت آماره K-S کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرضیه H_0 مبنی بر نرمال بودن توزیع این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵٪ رد شده و بیان‌گر این است که متغیر هموارسازی سود از توزیع نرمال برخوردار نمی‌باشند.

نرمال بودن متغیر وابسته، شرط لازم برای مدل‌های رگرسیون است، بنابراین لازم است قبل از آزمون فرضیه‌ها این متغیر نرمال سازی شود. در این پژوهش برای نرمال سازی داده‌ها از تابع انتقال جانسون^۱ بهره گرفته شده و توسط نرم افزار ۱۶ Minitab مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است. نتایج حاصل از آزمون K-S بعد از فرآیند نرمال سازی داده‌ها به شرح نگاره زیر می‌باشد.

نگاره ۴: نتایج آزمون نرمال بودن متغیر وابسته تحقیق بعد از فرآیند نرمال سازی

متغیر	تعداد (N)	آماره (K-S)	سطح اهمیت (Sig)
هموارسازی سود	۵۶۰	۰/۶۷۰	۰/۷۶۱

با توجه به نگاره از آنجایی که بعد از نرمال سازی داده‌ها سطح اهمیت (Sig.) آماره کولموگروف-اسمیرنف برای متغیر وابسته بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد (۰/۷۶۱)، بنابراین فرضیه H_0 در سطح اطمینان ۹۵٪ تأیید شده و بیان‌گر این است که متغیر هموارسازی سود بعد از فرآیند نرمال سازی، دارای توزیع نرمال می‌باشند.

^۱ Johnson Transformation

۳-۶) بررسی همبستگی میان متغیرهای تحقیق

نگاره ۵: آزمون همبستگی پیرسون

متغیر	هموارسازی سود	ریسک سیستماتیک	مالکیت مدیریتی	عدم تقارن اطلاعاتی	اندازه شرکت	اعضای غیرموظف هیئت مدیره	اهرم مالی	نسبت جریانات نقدی عملیاتی
هموارسازی سود	۱	۰/۱۷۶ Sig(004)	-۰/۲۳۷ Sig(000)	-۰/۳۸۵ Sig(001)	-۰/۴۸۹ Sig(021)	-۰/۳۳۶ Sig(000)	۰/۱۸۸ Sig(002)	۰/۲۹۱ Sig(107)
ریسک سیستماتیک		۱	۰/۱۹۷ Sig(000)	۰/۲۳۸ Sig(563)	۰/۴۱۰ Sig(338)	۰/۰۱۲ Sig(018)	۰/۳۳۲ Sig(199)	۰/۱۶۴ Sig(083)
مالکیت مدیریتی			۱	-۰/۳۶۵ Sig(001)	۰/۴۲۵ Sig(084)	۰/۱۳۵ Sig(122)	۰/۳۹۰ Sig(099)	۰/۲۳۷ Sig(054)
عدم تقارن اطلاعاتی				۱	۰/۵۸۳ Sig(225)	۰/۴۲۸ Sig(153)	۰/۱۱۷ Sig(115)	۰/۰۰۳ Sig(034)
اندازه شرکت					۱	۰/۲۳۸ Sig(063)	۰/۴۷۸ Sig(173)	۰/۳۱۹ Sig(216)
اعضای غیرموظف هیئت مدیره						۱	۰/۵۱۱ Sig(229)	۰/۰۱۱ Sig(042)
اهرم مالی							۱	۰/۲۴۰ Sig(095)
نسبت جریانات نقدی عملیاتی								۱

۸-۴) نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق

۸-۴-۱) آزمون فرضیه‌ی فرعی اول

جدول ۶: نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره فرضیه فرعی اول

نوع متغیر	نماد	نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی‌دار
متغیر وابسته	Y	هموارسازی سود	—	—	—
مقدار ثابت	α	آلفا	-۱/۷۴۴	-۲/۶۴۸	۰/۰۲۵
متغیر مستقل	X1	عدم تقارن اطلاعاتی	۰/۴۴۰*	۲/۷۸۸	۰/۰۰۱
متغیرهای کنترل		اندازه شرکت	-۰/۶۲۷*	-۲/۹۹۵	۰/۰۲۰
		اهرم مالی	۰/۷۲۲*	۲/۹۰۴	۰/۰۰۰
		نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره	-۰/۵۸۷*	-۲/۸۵۴	۰/۰۰۹
		نسبت جریان نقدی عملیاتی	۱/۶۲۷	۱/۷۹۵	۰/۱۰۱
		دوربین واتسون	۱/۸۵۶*	—	—
		آماره F	۳/۷۴۲	—	۰/۰۰۰
R		ضریب همبستگی	۰/۴۴۳	—	—
R Square		ضریب تعیین	۰/۱۹۷	—	—
Adjusted R Square		ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۹۶	—	—

*: سطح معنی‌داری برابر با ۰/۰۵ می‌باشد.

همانگونه که این نگاره نشان می‌دهد، عدم تقارن اطلاعاتی، اندازه شرکت، اهرم مالی و نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره ($p\text{-value} < 5\%$) تأثیر معناداری بر هموارسازی سود شرکت دارند و نسبت جریان نقدی عملیاتی هیچ تأثیری بر هموارسازی سود شرکت ندارد. ضریب متغیرها نشان می‌دهد که تأثیر اهرم مالی بر هموارسازی سود شرکت نسبت به بقیه متغیرها بیشتر است.

متغیرهای عدم تقارن اطلاعاتی و اهرم مالی بر هموارسازی سود شرکت تأثیر مستقیم و معنادار دارد و متغیر اندازه شرکت و نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره بر هموارسازی سود شرکت تأثیر معکوس و معناداری دارد. مثبت بودن ضریب متغیر عدم تقارن اطلاعاتی (۰/۴۴۰) حاکی از تأثیر مستقیم عدم تقارن اطلاعاتی بر هموارسازی سود شرکت‌ها می‌باشد؛ به‌طوری که با افزایش ۱ واحدی عدم تقارن اطلاعاتی، هموارسازی سود نیز به میزان ۰/۴۴۰ واحد

افزایش می‌یابد. بنابراین با توجه به تجزیه و تحلیل‌های صورت گرفته در ارتباط با تایید فرضیه فرعی اول پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که عدم تقارن اطلاعاتی بر هموارسازی سود شرکت تأثیر معنادار و مستقیم دارد. با توجه به مقدار آماره F الگوی رگرسیون برازش شده معنادار است و با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده، این متغیرها ۱۹/۶ درصد از تغییرات هموارسازی سود شرکت را توضیح می‌دهند. آماره دورین واتسون نیز چون بین ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین متغیرها مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

۲-۴-۸- آزمون فرضیه فرعی دوم

جدول ۷: نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره فرضیه فرعی دوم

نوع متغیر	نماد	نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی‌دار
متغیر وابسته	Y	هموارسازی سود	—	—	—
مقدار ثابت	α	آلفا	۰/۷۶۵	۲/۹۴۴	۰/۰۰۲
متغیر مستقل	X1	عدم تقارن اطلاعاتی	۱/۳۵۷*	۲/۷۳۱	۰/۰۰۱
	X2	ریسک سیستماتیک	۰/۴۳۶*	۲/۷۸۱	۰/۰۰۰
	X3	ریسک سیستماتیک* عدم تقارن اطلاعاتی	۰/۱۶۵*	۴/۹۹۳	۰/۰۰۰
متغیرهای کنترل		اهرم مالی	۱/۳۲۸*	۲/۰۳۴	۰/۰۰۱
		اندازه شرکت	-۰/۱۱۸*	-۲/۷۷۵	۰/۰۰۹
		نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره	-۱/۵۳۸*	-۲/۸۲۵	۰/۰۳۲
		نسبت جریان نقدی عملیاتی	۰/۳۱۸	۰/۹۳۶	۰/۱۴۳
		دورین واتسون	۱/۷۷۵	—	—
		آماره F	۱۴/۰۰۲	—	۰/۰۰۳
	R	ضریب همبستگی	۰,۴۲۳	—	—
	R Square	ضریب تعیین	۰,۱۷۹	—	—
	Adjusted R Square	ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۱۷۸	—	—

*: سطح معنی‌داری برابر با ۰/۰۵ می‌باشد.

همانگونه که این نگاره نشان می‌دهد، عدم تقارن اطلاعاتی، ریسک سیستماتیک، اندازه شرکت، اهرم مالی و نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره ($p\text{-value} < 5\%$) تأثیر معناداری بر هموارسازی سود شرکت دارند و نسبت جریان نقدی

عملیاتی هیچ تأثیری بر هموارسازی سود شرکت ندارد. ضریب متغیرها نشان می‌دهد که تأثیر نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره بر هموارسازی سود شرکت نسبت به بقیه متغیرها بیشتر است.

متغیرهای عدم تقارن اطلاعاتی، ریسک سیستماتیک و اهرم مالی بر هموارسازی سود شرکت تأثیر مستقیم و معنادار دارد و متغیر اندازه شرکت و نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره بر هموارسازی سود شرکت تأثیر معکوس و معناداری دارد.

مثبت بودن ضریب متغیر عدم تقارن اطلاعاتی (۱/۳۵۷) حاکی از تأثیر مستقیم عدم تقارن اطلاعاتی بر هموارسازی سود شرکت‌ها می‌باشد؛ به طوری که با افزایش ۱ واحدی عدم تقارن اطلاعاتی، هموارسازی سود نیز به میزان ۱/۳۵۷ واحد افزایش می‌یابد.

مثبت بودن ضریب متغیر ریسک سیستماتیک (۰/۴۳۶) حاکی از تأثیر مستقیم ریسک سیستماتیک بر هموارسازی سود شرکت‌ها می‌باشد؛ به طوری که با افزایش ۱ واحدی ریسک سیستماتیک، هموارسازی سود نیز به میزان ۰/۴۳۶ واحد افزایش می‌یابد.

با مقایسه ضرائب متغیر عدم تقارن اطلاعاتی در جداول (۴-۱۲) و (۴-۱۳)؛ فرضیه فرعی دوم تأیید می‌شود و می‌توان نتیجه گرفت که ریسک سیستماتیک موجب قوی تر شدن تأثیر مستقیم عدم تقارن اطلاعاتی بر هموارسازی سود شرکت می‌شود.

با توجه به مقدار آماره F الگوی رگرسیون برازش شده معنادار است و با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده، این متغیرها ۱۷/۸ درصد از تغییرات هموارسازی سود شرکت را توضیح می‌دهند.

آماره دوربین واتسون نیز چون بین ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین متغیرها مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

۳-۴-۸- آزمون فرضیه‌ی فرعی سوم

جدول ۸: نتایج حاصل از رگرسیون چندمتغیره فرضیه فرعی سوم

نوع متغیر	نماد	نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی‌دار
متغیر وابسته	Y	هموارسازی سود	—	—	—
مقدار ثابت	α	آلفا	۰/۵۷۳	۴/۱۶۶	۰/۰۰۰
متغیر مستقل	X1	عدم تقارن اطلاعاتی	۰/۱۱۹*	۴/۳۸۹	۰/۰۰۰
متغیر تعدیلگر	X2	مالکیت مدیریتی	-۰/۲۵۸*	-۳/۷۸۱	۰/۰۰۰
	X3	مالکیت مدیریتی* عدم تقارن اطلاعاتی	-۰/۱۸۹*	-۲/۱۰۳	۰/۰۱۳
		اهرم مالی	۰/۸۳۲*	۳/۲۹۴	۰/۰۰۰

نوع متغیر	نماد	نام متغیر	ضریب	آماره t	سطح معنی دار
متغیرهای کنترل		اندازه شرکت	-۰/۴۰۹*	-۳/۸۹۴	۰/۰۰۰
		نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره	-۰/۱۵۹*	-۲/۲۸۷	۰/۰۱۶
		نسبت جریان نقدی عملیاتی	۰/۲۱۰	۱/۸۸۱	۰/۰۹۴
		دوربین واتسون	۱/۹۸۸	—	—
		آماره F	۷/۲۱۵	—	۰/۰۰۰
R		ضریب همبستگی	۰,۴۶۹	—	—
R Square		ضریب تعیین	۰,۲۱۹	—	—
Adjusted R Square		ضریب تعیین تعدیل شده	۰,۲۱۸	—	—

*: سطح معنی داری برابر با ۰/۰۵ می باشد.

همانگونه که این نگاره نشان می دهد، عدم تقارن اطلاعاتی، مالکیت مدیریتی، اندازه شرکت، اهرم مالی و نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره ($p\text{-value} < 5\%$) تأثیر معناداری بر هموارسازی سود شرکت دارند و نسبت جریان نقدی عملیاتی هیچ تأثیری بر هموارسازی سود شرکت ندارد. ضریب متغیرها نشان می دهد که تأثیر نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره بر هموارسازی سود شرکت نسبت به بقیه متغیرها بیشتر است.

متغیرهای عدم تقارن اطلاعاتی و اهرم مالی بر هموارسازی سود شرکت تأثیر مستقیم و معنادار دارد و متغیر مالکیت مدیریتی، اندازه شرکت و نسبت اعضای غیرموظف هیئت مدیره بر هموارسازی سود شرکت تأثیر معکوس و معناداری دارد.

مثبت بودن ضریب متغیر عدم تقارن اطلاعاتی (۰/۱۱۹) حاکی از تأثیر مستقیم عدم تقارن اطلاعاتی بر هموارسازی سود شرکت ها می باشد؛ به طوری که با افزایش ۱ واحدی عدم تقارن اطلاعاتی، هموارسازی سود نیز به میزان ۰/۱۱۹ واحد افزایش می یابد.

منفی بودن ضریب متغیر مالکیت مدیریتی (۰/۲۵۸-) حاکی از تأثیر معکوس مالکیت مدیریتی بر هموارسازی سود شرکت ها می باشد؛ به طوری که با افزایش ۱ واحدی مالکیت مدیریتی، هموارسازی سود به میزان ۰/۲۵۸ واحد کاهش می یابد.

با مقایسه ضرائب متغیر عدم تقارن اطلاعاتی در جداول فرضیه فرعی سوم تأیید می شود و می توان نتیجه گرفت که مالکیت مدیریتی موجب کاهش تأثیر مستقیم عدم تقارن اطلاعاتی بر هموارسازی سود شرکت می شود.

با توجه به مقدار آماره F الگوی رگرسیون برازش شده معنادار است و با توجه به ضریب تعیین تعدیل شده، این متغیرها ۲۱/۸ درصد از تغییرات هموارسازی سود شرکت را توضیح می دهند.

آماره دورین واتسون نیز چون بین ۱/۵ تا ۲/۵ می‌باشد پس می‌توان نتیجه‌گیری کرد که بین متغیرها مشکل خودهمبستگی وجود ندارد.

۷. بحث و نتیجه‌گیری

براساس نتایج فرضیه فرعی اول تحقیق بین عدم تقارن اطلاعاتی و هموارسازی سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در سال‌های ۱۳۹۸ تا ۱۴۰۲ ارتباط مستقیم و معنی‌داری وجود دارد و این نتیجه به این مهم اشاره دارد که هرچه عدم تقارن اطلاعاتی بیشتر باشد، هموارسازی سود افزایش می‌یابد.

با تشکیل و توسعه مؤسساتی که مالکیت عام یافته‌اند ضرورت تفکیک مالکیت از مدیریت بیشتر از قبل احساس می‌گردد که در نتیجه آن قشر جدیدی به عنوان مباشران، اداره مؤسسات را به عهده گرفته و عملاً "مدیریت از مالکیت تفکیک شد. مدیران به عنوان نماینده سهامداران مسئول اداره شرکت می‌باشند و هدف اصلی آنان حداکثر کردن ثروت سهامداران می‌باشد. از آنجایی که مدیران بیش از سهامداران در رأس اداره شرکت می‌باشند بنابراین از اطلاعات بازار سرمایه بیشتر آگاهی دارند. این اطلاعات باید کاملاً در اختیار سهامداران نیز قرار بگیرد. مالکان، ثروت خود را در اختیار مدیران قرار می‌دهند و به منظور تصمیم‌گیری، خواهان حسابداری مدیریت از طریق ارائه اطلاعات و پاسخگویی در قبال عملکرد خود می‌باشند و در این مسیر، اطلاعات حسابداری بخش عظیمی از نیازهای اطلاعاتی تصمیم‌گیرندگان را تأمین می‌نماید. بیشتر اطلاعات حسابداری در صورت‌های مالی اساسی منعکس می‌شود. یکی از صورت‌های مالی اساسی که بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، گزارش سود و زیان می‌باشد. سود به عنوان نتیجه نهایی فرآیند حسابداری، تحت تأثیر رویه‌های حسابداری قرار دارد که توسط مدیران انتخاب می‌شود. این فرآیند به مدیریت فرصت می‌دهد تا در مورد زمان شناخت و اندازه‌گیری هزینه‌ها و درآمدها، تصمیم‌گیری کند (فروغی و احمدی، ۱۳۹۸). دمسکی و همکاران (۱۹۹۹) در تحقیق خود به این نتیجه دست یافتند که مدیران موقعی به هموارسازی سود دست می‌زنند که مدیران در شرایطی تضعیف شده و در معرض لغزشهای اخلاقی قرار گرفته باشند و یا عدم تقارن اطلاعاتی بین سهامداران و مدیران وجود داشته باشد. ضعف و ایرادات در گزارشگری مالی باعث می‌شود کارایی و نظارت بر رفتارهای فرصت طلبانه مدیریت افزایش یابد که باعث افزایش ریسک شرکت و عدم تقارن اطلاعاتی می‌گردد.

نتایج این بخش با تحقیقات یان پنگ^۱ (۲۰۱۱) و ویشواناتان^۲ (۲۰۱۲) مطابقت دارد و با نتایج تحقیقات توماس جین^۳ (۲۰۱۴) و آقایی و چالاکی (۱۳۸۸)، مرادزاده فرد و حسینی (۱۴۰۲) و مرادی (۱۳۹۴) همراستا نمی‌باشد.

براساس نتایج فرضیه فرعی دوم تحقیق؛ ریسک سیستماتیک موجب قوی تر شدن رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هموارسازی سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌شود.

^۱. Yhon and Peng

^۲. Vishvanatan

^۳. Thomas Jeanjean

کاهش و نوسانات در فروش شرکت که نشاندهنده افزایش ریسک محیطی شرکت است موجب می شود که دقت پیش بینی مدیران و فعالیت و سرمایه گذاری بر روی فرصتهای رشد کاهش یابد و عموماً موجب کاهش عملکرد و سودآوری شرکت می شود زیرا شرایط ثبات اقتصادی و محیطی موجب فعالیت بهتر اکثریت شرکتهای می شود. کاهش سودآوری و افزایش ریسک؛ موجب بوجود آمدن هزینه نمایندگی و عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران می شود زیرا که مدیران ممکن است در این شرایط سهامداران را در جریان تمامی امور و مشکلات قرار ندهند و هموارسازی سود افزایش می یابد.

نتایج این تحقیق با تحقیقات شلیفر و ویشنی^۱ (۲۰۱۵) مطابقت دارد و با نتایج تحقیقات مرادزاده فرد و حسینی (۱۴۰۲) و مرادی (۱۳۹۴) همراستا نمی باشد.

براساس نتایج فرضیه فرعی سوم تحقیق؛ مالکیت مدیریتی موجب کاهش رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هموارسازی سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می شود.

زمانی که بخشی از سهام شرکت در اختیار مدیران می باشد؛ عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و سهامداران کاهش می یابد زیرا در این حالت مدیران خودشان در سود و زیان شرکت سهیم هستند و اطلاعات کامل در اختیار سهامداران قرار می گیرد. همچنین نظارت بر صورتهای مالی نیز افزایش یافته و مانع از هموارسازی سود می گردند.

۸. پیشنهادهای کاربردی تحقیق

این تحقیق با توجه به شواهد حاصل از مطالعه و نتایج حاصل از آزمون فرضیه ها، پیشنهادهایی برای سازمان بورس اوراق بهادار تهران، سهامداران و مدیران شرکتهای به شرح زیر دارد:

براساس نتایج فرضیه فرعی اول مبنی بر ارتباط مستقیم و معنادار عدم تقارن اطلاعاتی و هموارسازی سود به مدیران شرکتهای توصیه می شود:

- افزایش درصد مالکیت مدیریتی در شرکت و واگذاری بخشی از سهام شرکت به مدیران در جهت همسو کردن منافع آنان با سهامداران و کاهش مدیریت سود.

- استفاده از حسابرسان و مؤسسات حسابرسی خبره در جهت حسابرسی دقیقتر صورتهای مالی در جهت اطلاع رسانی بهتر به سهامداران و کاهش مدیریت سود توسط مدیران شرکت.

براساس نتایج فرضیه فرعی دوم مبنی بر اینکه ریسک سیستماتیک موجب قوی تر شدن ارتباط عدم تقارن اطلاعاتی و هموارسازی سود می گردد به مدیران شرکتهای توصیه می شود در زمان نوسانات فروش و نوسانات اقتصادی کشور نظارت خود را بر روی رفتار مدیران بیشتر کرده و بخشی از سهام شرکت را به مدیران واگذار شود زیرا این امر موجب کاهش هزینه نمایندگی، عدم تقارن اطلاعاتی و مدیریت سود می گردد و مدیران خود را در سود و زیان شرکت سهیم می دانند.

¹.Shelliifer and Vishni

براساس نتایج فرضیه فرعی سوم مبنی بر اینکه مالکیت مدیریتی موجب کاهش ارتباط عدم تقارن اطلاعاتی و هموارسازی سود می گردد به سهامداران شرکتها توصیه می شود بخشی از سهام شرکت را در به مدیران واگذار کنند زیرا این امر موجب نظارت بیشتر بر صورتهای مالی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی می گردد.

با توجه به ارتباط معکوس اعضای غیرموظف هیئت مدیره و هموارسازی سود توصیه می شود سازمان بورس اوراق بهادار تهران الزاماتی مبنی بر بکارگیری تعداد بیشتر اعضای غیرموظف هیئت مدیره برای شرکتها در نظر بگیرند. زیرا این امر موجب شفافیت و سطح بالاتر افشای اطلاعات می گردد.

با توجه به ارتباط معکوس و معنادار اندازه شرکت و هموارسازی سود؛ توصیه می شود کسانی که قصد ورود به بازار سرمایه و سرمایه گذاری بر روی سهام شرکتها را دارند و بحث افشای و شفافیت اطلاعات برای آنان از اهمیت بالایی برخوردار است؛ بر روی شرکتهایی سرمایه گذاری کنند که اندازه بزرگتری دارند زیرا در شرکتهای بزرگتر هموارسازی سود کمتر اتفاق می افتد.

۹. پیشنهادها جهت تحقیقات آتی

با توجه به نتایج تحقیق به دانشجویان پیشنهاد می شود موضوع این پژوهش را در زمینه های زیر انجام دهند:

۱. بررسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هموارسازی سود به تفکیک صنعت در بورس تهران
۲. مطالعه تأثیر نوع مالکیت بر روی روابط بین عدم تقارن اطلاعاتی و هموارسازی سود
۳. بررسی عوامل مؤثر بر هموارسازی سود شرکتها با استفاده از الگوریتم ژنتیک و شبکه های عصبی مصنوعی
۴. بررسی رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و هموارسازی سود به تفکیک مراحل چرخه عمر در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

منابع و مآخذ

۱. احمدپور، احمد و امیر رسائیان. (۱۳۹۳). "رابطه ی بین معیارهای ریسک و اختلاف قیمت پیشنهادی خرید و فروش سهام در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه ی بررسی های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۶: ۶۰-۳۷.
۲. افلاطونی، عباس و لیلی نیکبخت. (۱۳۹۸). "اقتصاد سنجی در حسابداری و اقتصاد". انتشارات ترمه. چاپ اول، تهران.
۳. خدامی پور، احمد و محمد قدیری. (۱۳۹۴). "بررسی رابطه میان اقلام تعهدی و عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار تهران". مجله پیشرفت های حسابداری دانشگاه شیراز، شماره ۵۹: ۲۹-۱.
۴. رحیمیان، نظام الدین، همتی، حسن و ملیحه سلیمانی فرد. (۱۴۰۲). "بررسی ارتباط بین کیفیت سود و عدم تقارن اطلاعاتی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". مجله دانش حسابداری، شماره ۱۰: ۱۸۱-۱۵۷.

۵. زراءنژاد، منصور و انواری، ابراهیم. (۱۳۸۴). کاربرد داده‌های ترکیبی در اقتصاد سنجی. فصل‌نامه‌ی بررسی‌های اقتصادی، دوره ۲، ش ۴. ۵۲-۲۱.
۶. سمائی، حسین و مجید شریعت پناهی. (۱۳۸۳). "هموارسازی سود و بازده تعدیل شده براساس ریسک". ماهنامه‌ی تدبیر، شماره ۱۴۶: ۶۳-۵۶.
۷. کردستانی، غلامرضا و مهدی رحیمی. (۱۳۹۵). "مدیریت سود و سودآوری شرکت". پژوهشنامه‌ی علوم انسانی و اجتماعی، شماره ۲۱: ۱۰۴-۸۳.
۸. هاشمی، ایرج، صمدی، محمدرضا. (۱۳۹۴). "بررسی مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران"، مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، شماره ۲: ۵۲-۳۸.
9. Bandia, S. (2017). "Earnings Management During Import Relief Investigations". *Journal of Accounting Research*, No 29: pp 193-228.
10. Barja, B and Brousa, S. (2016). "An explanation for accounting income smoothing". *Journal of Accounting Research*, No 26: pp 127-139.
11. Bhattacharya, N., Desai, H, and Venkataraman, K. (2015). "Does earnings quality affect information asymmetry? Evidences from trading costs". *Contemporary Accounting Research*, No 191: pp 184-207.
12. Cormier, D, Houle, S and Ledoux, M. (2020). "The incidence of earnings management on information asymmetry in an uncertain environment: Some Canadian evidence". *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*. No 22: pp 26-38.
13. Cormier, D., and Ledoux, M. (2022). "Performance reporting by oil and gas firms: Contractual and value implications". *Journal of International Accounting, Auditing & Taxation*, No 11: pp 131-153.
14. Habib, A, Hossain, M, and Jiang, H. (2011). "Environmental uncertainty and market pricing of earnings smoothness" *Advances in International Accounting*, No 32: pp 11-40.
15. Hunt N, Dang P, (2014). "Preventing and curtailing injecting drug use: opportunities for developing and delivering .route transition interventions". *Drug and Alcohol Review*, No 18: pp 441-451.
16. Jones, S. (1991). "Earnings Management During Import Relief Investigations". *Journal of Accounting Research*, No 29: pp 193-228.
17. Lim, C. Y., Ding, D. K., and Thong, T. Y. (2008). "Firm diversification and earnings management: Evidence from seasoned equity offerings". *Review of Quantitative Finance and Accounting*, No 30: pp 69-92.
18. Schipper J. (1989). "Earning Management". *Accounting Horizons*, No 21: pp 91-108.
19. Trueman, B and Titman, S. (1988). "An explanation for accounting income smoothing". *Journal of Accounting Research*, No 26: pp 127-139.
20. Ujah, N and Brusa, J. (2011). "Earnings Management, Financial Leverage, and Cash Flow Volatility: Do Economic Conditions Matter?" www.ssrn.com.

Investigating the effect of systematic risk and managerial ownership on the relationship between information asymmetry and profit smoothing of companies listed on the Tehran Stock Exchange

Abstract

The main purpose of the research is to examine the effect of systematic risk and managerial ownership on the relationship between information asymmetry and profit smoothing of companies listed on the Tehran Stock Exchange during the years 2018 to 2012, in this regard, profit smoothing as a dependent variable and information asymmetry. are independent variables. Systematic risk and managerial ownership are considered as moderating variables. Company size, financial leverage, the ratio of non-executive members of the board of directors and the ratio of operating cash flows are also control variables. The statistical sample of the research is 112 companies. The research method is descriptive-correlation with applied approach. The method of gathering information in the theoretical foundations section is from the library method and in the hypothesis testing section from the document analysis method of financial statements. In general, the hypothesis testing method is correlation and multiple regression. The research results showed that there is a direct and significant relationship between information asymmetry and profit smoothing, and systematic risk also strengthens this relationship. Managerial ownership also reduces the relationship between information asymmetry and profit smoothing. The results related to control variables showed that there is a direct and significant relationship between financial leverage and profit smoothing, and there is an inverse and significant relationship between company size and the proportion of non-commissioned board members with profit smoothing. No significant relationship was found between operating cash flow ratio and profit smoothing.

Keywords

systematic risk, information asymmetry, profit smoothing, financial leverage, company size
